

هادی پاکزاد در آواز های زیر زمین

هادی پاکزاد متولد ۱۳۶۱ در مشهد، یکی از فرد/گروه های است که از 11 سال قبل یعنی از زمانی که 19 ساله بود به طور جدی کارش را در حوزه موسیقی راک آغاز کرد. پاکزاد اولین آلبوم خود را در سال 1380 با عنوان سرزمین ترس منتشر کرد. او تا امروز (سال 2012) شش آلبوم منتشر کرده است. نیاز چندانی به توضیح ندارد که او نیز مانند اغلب گروه های مشابه موفق به دریافت مجوز رسمی برای کارهایش نشده و به همین دلیل آثارش را به طور رایگان در پایگاه اینترنتی منظم و نسبتا کامل در معرض استفاده عمومی قرار داده است. او مانند بسیاری از گروه های مشابه نخست به موسیقی پاپ/راک پرداخت و کم کم به سوی موسیقی راک/آلترناتیو کشیده شد. او با مسعود فیاض زاده آهنگساز و تهیه کننده موسیقی راک و یکی از گیتاریست های گروه منفی یک یا مینوس وان همکاری دائمی داشت و تاثیر کار فیاض زاده در آثار پاکزاد معلوم و مشخص است.

شاید ویژگی بارز پاکزاد به قدرت ترانه سرایی او برمی گردد. زیر همه اشعاری که توسط او خوانده شده، نام خود او به عنوان شاعر نوشته شده است، حتی به اشتباه زیر یکی از اشعار بلند حافظ که پاکزاد بهترین استفاده را از آن کرده و آن را با موسیقی راک به خوبی تنظیم کرده است یعنی شعر "ناگهان پرده بر انداخته ای یعنی چه؟/مست از خانه برون تاخته ای یعنی چه؟... " نیز نام شاعر هادی پاکزاد نوشته شده است. البته این سهوی است که در اثر بی دقتی بروز می کند. اما نکته مهم به کار قابل توجه او در شعر بر می گردد، اشعاری که اغلب تصویری است و ایماژهای بسیار جذاب و تازه ای دارد و گاه بسیار عمیق و تفکربرانگیز است. به نظر می رسد او بسیار متأثر از ترانه سرایی گروه های راک روانگردان است. ترانه هایی که سعی دارند عمق وجود خواننده/شاعر را نشان دهند و این اتفاقا در شعر ایرانی نیز سابقه فراوان دارد. نمونه بسیار بارز آن را در اشعار حافظ می توان دید. اشعار هادی پاکزاد به ما می گوید که او یکی از شاعران ترانه سرای موسیقی نوین ایران است.

شعرهای هادی پاکزاد جزو نقاط قوت کار او هستند. با مضامینی که اغلب به نگاه او به زندگی و هستی باز می گردد. گاه برخی شعرها در متن ارائه شده دارای اغلاط مشخص املائی و انشائی هستند و همین نشان می دهد که او اگرچه در شاعری و بیش از آن در ترانه سرایی تواناست، ولی چندان با ادبیات خو نگرفته است. شعر "اسلحه" از آلبوم برای چهار از اشعار قابل توجه اوست.

"مثل سگ تو رخت خواب تمرین مردن می کنی/مثل هابیل سعی بر از یاد بردن می کنی/مجرم سقط شعور بیچاره ای از کمترین...سوزن از تو نشسته تر/خونت از سم سم ترین/فرق روزافزون تنها/وحش پر فحشای من ها/مرد بی اقبال پیروز/حزن بی مقدار زن ها/مثل سگ در انتظاری/تا وفاداری کنی/مثل هابیل بی قراری/تا عزاداری کنی باز...یادت نره اسلحه/هنوز تو دست منه/هرچند هم آروم/اما نبضم می زنه/باید ورق برگرده/من همین جام عزیزم/من مدیون شانس نیستم/از دور شعر نمی ریزم...چقدر رنج پدرخوانده/به تو بدهکارم من؟/و چند روز به آن

مانده /تا چشم به هم بذارم من؟/و تا کی قصد داری تو/پدر به این آزارها؟/و چند بار بگویم من/خستم از این چند بارها؟.../من بارها هستیم رو/از دست باد گرفتم از بهترین معلم/سکوت رو یاد گرفتم/سخت می شه گفت اسلحه/وسیله شکاره/هر حیوانی رو دیدم/اسلحه رو دوست داره"

در ترانه دیگر همین آلبوم به نام "دلتنگ خودمم" شعر عمیق تر و جذاب تر می شود و به گونه ای از ترانه های راک که توسط برخی شاعران بزرگ راک سروده شده نزدیک می شود، در این شعر هادی می گوید:

"نیمی از یک مترسک/با نیمی از یک بدن /با هم پیوند خوردن/تا پیکر من شدن/کلاغ ها هر روز از/نیمی از من می ترسن/و لاشخور ها هر شب روی نیم دیگه می رقصن/سال هاست من حامی/گندم های تو بودم/به زندگی برای تو/خو کرده وجودم/تو از کلبه اون دور/هر صبح با لبخندی/و پیش از خواب هر شب/پنجره رو می بندی/و من با شیاطین هر شب/تا صبح می جنگیدم/و هر بار پیش از صبح/بغضم را می بلعیدم/و تو درست به کسی/زندگیتو مدیونی/که مدت هاست از اون/هیچ چیزی نمی بینی/سال هاست زندانی/آزادی تو هستم/قهرمان و قربانی/از این دو واژه خستم.../سال هاست پوست گرمی رو/با شوق نبوسیدم/مدت هاست توی آب/صورتتم رو ندیدم/دللم برای تو برای، تو از نزدیک/تنگ برای نفس، توی یک گوشه ی تاریک/دللم برای اشک، دللم برای خواب/دللم برای سیب، دللم برای آب/دللم برای زن، دللم برای تن/دللم برای من، دللم برای من/دللم بیش از هر چیزی برای خودم/تنگه/و من برای خودم، دللم چقدر تنگه/و من سال هاست برای/خودم، دللم تنگه"

شاید یکی از نکات قابل توجه در ترانه سرایی که توسط بسیاری از شاعران ترانه سرا یا ترانه سرایانی که با مقیاس های شعر عروضی فارسی شعر می گویند، و به سبب تفاوت مصرف شعر برای شعر و شعر برای ترانه، معمولاً دچار مشکل می شوند، این است که در ترانه سرایی ارزش ایماژ و مفهوم بر فرم کلمه و وزن آن در شعر تقدم دارد و به همین لحاظ ترانه سرا شعر را نه برای خواننده شدن روی کاغذ بلکه برای خواندن با موسیقی و چرخش کلمات در ترانه می سراید. از همین رو ممکن است اشعار هادی پاکزاد در بسیاری جاها و بیرون از ترانه دچار مشکل وزن یا قافیه باشد، اما "خوانش" شعر بسیار روان و تاکیدات روی ایماژها و مفاهیم روشن است. شعر "پستچی" در همین آلبوم از کارهای برجسته و شعرهای ناب اوست.

" من فقط یک پستچی بودم و نه بیشتر/تو فقط یک نامه بودی و نه کمتر/انتخاب من فقط رسوندنت بود/مال من نبود، پس رسوندمت زود/تو همراه من بودی/نه مال من.../تو اجبار من بودی نه بال من/اگرچه باید بسته می موند پاکت تو/منو ببخش که بردم راحت تو/غمی بزرگتر از این برای این من مست/که مال من نباشی /درحالی که دلت هست.../تو ببخش که مست شدم از بوی جوهر/من یک کاغذ خوار ساده ام نه بیشتر/به گناه میل دارم و صد ها برگه/واسه این پستچی خوب وسوسه مرگه/اگرچه من پستچی خوبی نمودم/تو هستی چون من تو رو سالم رسوندم/این چقدر سخته که یک پستچی باشی/و خودت صاحب نامه ای نباشی"

ترانه های او آینه هایی شکسته با گوشه هایی تیز و برنده، بر زمین سنگی خانه تنهایی او هستند. شعرآهنگ های او در واقع متافورهای چند بعدی در وصف جهان پست مدرن و انسان درگیر فلسفه بودن است.

اولین آلبوم هادی پاکزاد با عنوان سرزمین ترس در سال 1380 منتشر شد. آلبومی که آوای پاپ و اندکی راک داشت و از بی تجربگی و خام بودن وی خبر می داد. بعد از مجموعه سرزمین ترس، آلبوم دوم خود را به نام زندگی زیرزمینی در بازار مجازی اینترنت ارائه داد. شش سال گذشته بود و در این آلبوم که در سال 1386 تهیه و منتشر شد هادی پاکزاد اولین قدم های خود را در موسیقی تجربی و آوایی امروزی تر و کمی نزدیک تر به راک برداشته بود. اما به نظر می آمد هنوز به کلی از ساختارهای موسیقایی و ترانه سرایی پاپ دل نکنده است و در تهیه فرم آهنگ ها موفق نیست.

اما از سال 1386 تا 1387 که سومین آلبوم خود را با عنوان دکتر منتشر کرد اتفاق خاصی در تکنیک ترانه نویسی و ساختار آهنگ های او رخ داد. آلبوم دکتر هنوز از بهترین و جذابترین مجموعه های منتشر شده اوست. آلبومی که لبریز از تصاویر و حجم های شاعرانه ناب امروزی و خوانندگی حسی اما مالخولیایی است که در بسته بندی هوشمندانه موسیقی آلترناتیو-راک پیچیده شده است. ترکیبی جذاب و تازه در موسیقی مردم پسند دگرآوای ایران. کاملاً مشخص است که در این مجموعه هم هادی پاکزاد و هم مسعود فیاض زاده به بلوغی موسیقایی و حرفه ای رسیده اند.

در آلبوم افلاطون که در سال 1388 منتشر شد همان تجربه آلبوم دکتر ادامه یافت، با این تفاوت که ساختار آهنگ ها ساختگی تر و با حداقل سادگی در پشت ترانه های هادی پاکزاد فقط نقش یک زمینه را بازی میکنند. آلبوم افلاطون را نسبت به آثار قدیمی تر هادی پاکزاد می توان مجموعه ای کلام محور دانست. در جای جای این آلبوم آگاهانه یا ناآگاهانه، از قصد یا بدون قصد، ضعف در تنظیم آهنگ ها احساس می شود که آوای قطعات را خام و گاه غیرمتعارف کرده است.

برای چهارم، پنجمین آلبوم هادی پاکزاد، در سال 1389 در بازار مجازی اینترنت ارائه شد. مجموعه ای که جهشی بزرگ در جهت خلق موسیقی تجربی آلترناتیو فارسی است و حتی در قطعاتی آوانگارد به گوش می رسد. آلبومی با آهنگ های راک مدرن و ترانه های تلقینی پست مدرنیستی و تکنیک خوانندگی که از پوسته خود بیرون آمده و بسیار بیانگرا و حسی اجرا شده است. جرات و جافتادگی در کلیت پدیده های تشکیل دهنده آهنگ ها به اوج کیفی خود رسیده اند. آهنگ ها بی رحمانه در جنگی نابرابر میان ترانه و موسیقی در هم می کوبند و به دینامیک و هیجانی موسیقایی بدل می شوند. این آلبوم در آهنگ «فرشته سرد» ساختار پاپ-راک آشنایی به خود می گیرد و شنونده را در غم شاعرانه ای آرام می کند. در آهنگ "دانشمند" در فضایی تجربی با متن آهنگی غیر متعارف برای شنونده سخنوری می کند. به نظر می رسد ترانه دانشمند تجربه ای ناموفق از نوآوری است. متنی که می

تواند از روی یک کتاب تاریخ علم یا تاریخ فلسفه برداشته شده باشد، عینا توسط خواننده قرائت می شود، بی آنکه موسیقی یا شیوه خواندن ترانه کمکی به متن بکند و ما را از سردرگمی آنچه می شنویم بیرون بیاورد. این آهنگ همه قالب های موسیقایی یک آهنگ مردم پسند را در هم می شکند و آوانگارد می شود. اما در آهنگ "پایان" فرمی کانسپچوالیستی-روایتی به خود می گیرد و زندگی را در نیستی معنا می کند. رویکردهای گوناگون موسیقایی و تنوع در ساختار شعرآهنگ ها، این آلبوم را به یکی از مجموعه های منحصر به فرد آلترناتیو فارسی ایران بدل کرده است.

در سال 1390 نیز مجموعه ای از او به بازار مجازی و بر صفحه اینترنتی رسمی او گذاشته شد با عنوان تازه ترین آهنگ ها که از شش قطعه تشکیل شده است. مثل همیشه ترانه های این مجموعه نیز سروده هادی پاکزاد است و آهنگسازی ها را مسعود فیاض زاده به عهده داشته است. این مجموعه به نظر نمی رسد یک آلبوم کامل باشد، بلکه آن طور که از نامش پیداست مجموعه ای از تک آهنگ های وی هستند که در یک جا منتشر شده اند. در این مجموعه آثار هادی پاکزاد عمق تازه ای به خود گرفته اند. آوای آهنگ ها الکترو-راک(راک الکترونیک)، ترانه ها محکم تر، عمیق تر و حتی گاه اجتماعی تر اما نه گزارش گونه بلکه در پوششی سمبلیک و غیر مستقیم پیچیده شده اند. در آهنگ های این مجموعه نگاه شاعری آگاه بستر ترانه های پر حجم و اعتراض اجتماعی شده است و موسیقی فقط وسیله ای است برای به جریان درآوردن مفاهیم و درک زمانه.

موسیقی و شعر هادی پاکزاد در ده سال اول کارش نشانگر تکامل هنری موسیقی پرداز شاعری است که همیشه رو به جلو داشته و از کار تجربی وحشت نداشته است. شاید او را از نمونه های موفق موسیقی راک زیر زمینی بتوان دانست.

هادی پاکزاد همچون بسیاری از کسانی که با کار مستمر تجربی می کوشند بر ثروت موسیقی مدرن ایران چیزی تازه از کشفیات خود بیفزایند، به دلیلی خودخواسته از بازاری دور هستند که آنها را مطرح کند و کارشان بیشتر شنیده شود و از سوی دیگر حامیان فقیر چنین موسیقی نیز خود توانایی چندانی در حمایت از این موسیقی ندارند. در زیرزمین های خوش آوای موسیقی اکنون ایران، بسیاری از بچه ها باهوش به دنیا می آیند، 20 ساله می شوند، 30 ساله می شوند، گاه صدایشان به گوش جمع می رسد، پیر می شوند و می میرند.

آلبوم های هادی پاکزاد از این قرارند: سرزمین ترس 2002، زندگی زیر زمین 2005، دکتر 2007، افلاطون 2009، برای چهار 2010، ارتباط با ناشنوا 2012.

منبع: نبوی، سیدابراهیم، 1392، آوازهای زیرزمین تاریخچه موسیقی راک ایرانی